گزارش یک

مهسا گربندی

آموزش در حصار صفحات کتاب درسی نمی‌ماند

یک روز چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم دانش‌آموزی که طلایی‌ترین سال‌های عمرش را در مدرسه درس خوانده، کلی صفحه از کتاب‌هایش را ورق زده، امتحان داده و نمره گرفته، هنوز نمی‌داند بسیاری از آنچه آموخته، کجای زندگی واقعی‌اش به کار می‌آید! سال‌هاست کتاب‌های درسی به اصلی‌ترین نقشه راه آموزش در مدارس تبدیل شده‌اند. این‌طور است که معلم درس می‌دهد، دانش‌آموز هم می‌خواند و مدرسه تلاش می‌کند تا پیش از پایان سال تحصیلی، همه صفحات کتاب را به آخر برساند! در این میان، گاهی آن‌قدر درگیر تمام کردن کتاب‌ها می‌شویم که فراموش می‌کنیم قرار نیست همه یادگیری دانش‌آموزان در این چند جلد خلاصه شود. یادگیری که نباید به حفظ کردن مطالب و پاسخ دادن به سؤالات کتاب محدود بماند. دانش‌آموزان و نسل امروز نیاز دارند که تجربه کنند، مهارت بیاموزند و چیزهایی را یاد بگیرند که معنا و مفهومش را در زندگی پیدا کنند. حالا آموزش و پرورش از تغییر این نگاه و حرکت به سمت الگویی تازه در برنامه‌های درسی خبر می‌دهد. الگویی که قرار است به مدارس فرصت بیشتری برای طراحی مسیر یادگیری بدهد و کتاب درسی را از جایگاه تنها ابزار آموزش خارج کند. دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، در تشریح این رویکرد از اجرای زیست‌بوم تحولی برنامه‌های درسی، ورود تولیدات جدید به دوره اول ابتدایی و برنامه‌ریزی برای گسترش آن به سایر مقاطع تحصیلی خبر داده، تغییری که قرار است مدرسه را از یک مجری صرف محتوای کتاب‌ها به محیطی فعال‌تر برای تجربه و یادگیری تبدیل کند.



محمدمهدی صافی| جوان

■ از کتاب‌های ۵ ساله تا تحول در برنامه درسی

کتاب‌های درسی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزای نظام آموزشی، همواره با این مطالبه روبه‌رو هستند که محتوای آنها با تحولات جامعه و نیازهای نسل جدید تناسب بیشتری داشته‌باشد. تغییراتی که قرار است تنها به اصلاح چند عنوان و جابه‌جایی چند مطلب محدود نماند و محتوای آموزشی را با واقعیت‌های زندگی دانش‌آموزان پیوند بزند.

محمود امانی طهرانی، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش درباره حجم محتواهای کتاب درسی و ضرورت متناسب‌سازی آنها با نیازهای دانش‌آموزان، به استانداردهای بازنگری و تألیف کتاب‌ها اشاره کرد و گفت: «استاندارد کتاب‌های درسی این است که در شرایط عادی و در صورتی که اتفاق خاصی درباره یک کتاب رخ ندهد، هر پنج سال یک‌بار تغییرات نسبی و هر ۱۰ سال تجدید تالیف شود.»

با این حال، به‌روزرسانی کتاب‌ها تنها بخشی از مسیر تحول آموزشی است. از نگاه دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، ارتقای کیفیت آموزش موضوعی نیست که با یک‌بار اصلاح برنامه‌ها به پایان برسد، بلکه فرآیندی پیوسته است که حتی نظام‌های آموزشی پیشرفته نیز همواره درگیر آن هستند.

او با اشاره به ظرفیت سند تحول بنیادین برای ترسیم چارچوب آموزش باکیفیت برای همه دانش‌آموزان کشور، تصریح کرد: «ارتقای کیفیت آموزش و پرورش فرآیندی مستمر است. اساساً بهبود وضعیت آموزش و پرورش در تمام کشورهای دنیا، چه کشورهایی که از ما جلوتر هستند و چه کشورهایی که در این زمینه عقب‌ترند، یک فرآیند مستمر محسوب می‌شود و هیچ کشوری به نقطه‌ای نمی‌رسد که اعلام کند دیگر نیازی به بهبود و تحول ندارد.»

■ فراتر از اجرای کتاب درسی

در همین مسیر، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طرحی را با عنوان زیست‌بوم تحولی برنامه‌های درسی آغاز کرده است. طرحی که بنا بر توضیحات امانی طهرانی، قرار است رابطه مدرسه با برنامه درسی را از چارچوب متعارف و کتاب‌محور خارج کند و فرصت بیشتری برای طراحی فرآیند یادگیری در اختیار مدارس قرار دهد.

او در این‌باره توضیح می‌دهد: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اقدام بنیادی را با عنوان زیست‌بوم تحولی برنامه‌های درسی آغاز کرده‌است. برنامه‌های مربوط به رشد دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی، بر اساس طرح‌واره برنامه‌های درسی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده و اکنون در حال پیگیری و اجراست.»

این تغییر رویکرد البته هنوز در همه دوره‌های تحصیلی به مرحله اجرا نرسیده‌است. به گفته دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، آثار و تولیدات این تحول در حال حاضر به دوره اول ابتدایی رسیده و تعدادی از مدارس نیز به‌صورت محدود از آنها استفاده می‌کنند.

امانی طهرانی در توضیح تفاوت الگوی جدید با شیوه پیشین برنامه‌ریزی درسی می‌گوید: «تحول در زیست‌بوم برنامه درسی باعث شده دیگر صرفاً کتاب درسی را در اختیار مدرسه قرار نمی‌دهیم، بلکه یک برنامه درسی در سطح مدرسه و نسخه مدرسه‌ای برنامه درسی ملی ارائه می‌کنیم.»

در این الگو، اهدافی که دانش‌آموز باید در هر مرحله به آنها دست پیدا کند مشخص است، اما مسیر رسیدن به این اهداف قرار نیست صرفاً از محتوای صفحات کتاب عبور کند. مدرسه می‌تواند با توجه به شرایط، امکانات و ویژگی‌های دانش‌آموزان خود، موقعیت‌های یادگیری متنوعی طراحی کند و از ابزارهای مختلف برای تحقق اهداف آموزشی بهره بگیرد.

دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش در همین زمینه اظهار کرد: «اهدافی که دانش‌آموزان باید به آنها دست پیدا کنند مشخص شده و مدرسه نیز آزادی عمل دارد تا متناسب با این اهداف، موقعیت‌های یادگیری را طراحی کند. کتاب‌های درسی در حکم پیشنهادهایی برای شکل‌گیری موقعیت‌های یادگیری هستند و تنها ابزار یادگیری دانش‌آموزان محسوب نمی‌شوند.»

■ تقویم آموزشی با امضای مدرسه

یکی دیگر از بخش‌های این الگوی تازه، واگذاری نقش فعال‌تر به مدیران و معلمان در برنامه‌ریزی آموزشی است. در این مدل، مدارس می‌توانند برای طول سال تحصیلی خود تقویمی متناسب با اهداف برنامه درسی طراحی کنند و رویدادها و فعالیت‌های آموزشی را در قالب چارچوب‌های پودمانی پیش ببرند.

امانی طهرانی با اشاره به نمونه‌های تدوین‌شده از این تقویم‌ها توضیح داد: «مدارس در مدل جدید برای خود یک تقویم آموزشی سالانه طراحی می‌کنند که حاوی رویدادهای مختلف و چارچوب‌های پودمانی است و نمونه‌هایی از این تقویم‌ها تاکنون تدوین شده‌است.»

او همچنین از شکل‌گیری ظرفیت‌های تازه در میان مدیران و معلمان برای طراحی برنامه‌های آموزشی سخن گفت و معتقد است این ظرفیت می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر مدارس در فرآیند یادگیری را فراهم کند.

■ نوبت به متوسطه‌ها می‌رسد

البته اجرای این برنامه به دوره ابتدایی محدود نخواهد ماند. بر اساس توضیحات دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، طراحی برنامه‌های دوره اول متوسطه در جریان است و برنامه‌های دوره دوم متوسطه نیز به موازات آن دنبال می‌شود.

امانی طهرانی در ترسیم چشم‌انداز پیش‌رو گفت: «در حال حاضر، روی برنامه‌های دوره اول متوسطه و طراحی برنامه‌های دوره دوم متوسطه کار می‌شود و این برنامه‌ها به موازات یکدیگر در دست طراحی هستند. در چند سال آینده، برنامه‌های جدید درسی برای دوره‌های مختلف تحصیلی عرضه می‌شود و کشور شاهد برنامه‌های درسی روزآمد و مفید خواهد بود.»

■ حواسمان به آزمون و خطای پرهزینه هم باشد

در این میان اما، یک نگرانی مهم هم وجود دارد که نباید از آن ساده گذشت. اینکه مبادا دانش‌آموزان هزینه آزمون و خطاهای نظام آموزشی را بپردازند! تغییر کتاب‌ها و برنامه‌های درسی به‌خودی‌خود اتفاق بدی نیست، اتفاقاً آموزش و پرورش برای به‌روز شدن به چنین تحولاتی نیاز دارد، اما قرار نیست هر بار یک مسیر تازه را امتحان کنیم و اگر نتیجه نداد، سراغ نسخه بعدی برویم. پای سال‌های عمر و فرصت یادگیری بچه‌ها در میان است. نمی‌شود مدارس را بدون آمادگی کافی، معلمان را بدون آموزش و امکانات لازم و دانش‌آموزان را بدون نقشه‌ای روشن وارد یک تجربه تازه کرد. تحول آموزشی باید از دل نیازهای واقعی مدرسه بیرون بیاید، نه اینکه دانش‌آموزان در مسیر اجرای آن با سردرگمی و تصمیم‌های ناپخته روبه‌رو شوند. یادمان نرود آموزش و پرورش با زندگی یک نسل سروکار دارد و فرصت آزمون و خطای بی‌هزینه ندارد، چراکه بهای هر اشتباه را دانش‌آموزانی می‌پردازند که فرصت تکرار سال‌های از دست‌رفته را ندارند.

گزارش ۲

حوریه ملکی

حذف شهرداران بیگانه با دانش بنیان‌ها

با گذر از مدیریت سنتی و استفاده از فناوری‌ها، بحران‌های شهری رفع و زیرساخت‌ها مدرن می‌شوند

عصر تصمیم‌گیری‌های پشت درهای بسته و اتکا به روش‌های فرسوده در مدیریت کلانشهرهای ایران به پایان رسیده‌است. امروز اکثر کلانشهرهای ایران با انباشتی از چالش‌های مزمن کالبدی، زیست‌محیطی، ناترازی انرژی و فرونشست زمین دست‌وپنجه نرم می‌کنند. وضعیتی که هرگونه پافشاری بر شیوه‌های بوروکراتیک و سنتی را محکوم به شکست می‌سازد. در این سیستم پیچیده، آینده زیست شهری بی‌هیچ تردیدی در پیوند با علم، فناوری‌های پیشرفته و اکوسیستم دانش‌بنیان رقم می‌خورد. مدیران شهری باید بپذیرند که بقا و کارآمدی در گرو بهره‌گیری از راهکارهای نوین است. خوشبختانه طی سال‌های اخیر، شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبگان داخلی با خلق ابزارها و سامانه‌های پیشرفته، از مسکن‌های سبز و آسفالت‌های خورشیدی گرفته تا ربات‌های لایروب و پهپادهای امداد و نجات، بستری مطمئن برای عبور از بحران‌ها فراهم کرده‌اند، دستاوردهایی که از این پس عیار واقعی شایستگی مدیران شهری را تعیین خواهند کرد.



پایه و اساس این تحول بنیادین از الگوی زیست و معماری پایدار آغاز می‌شود. دیگر نمی‌توان مسکن و بافت شهری را بدون توجه به مفاهیم نوین بهره‌وری بنا کرد. حرکت به سمت طراحی و ساخت مسکن‌های سبز، سازگار با اقلیم و مقاوم، ضرورتی گریزناپذیر است که در آن، سازه‌ها خود به عنوان واحدهای هوشمند مدیریت انرژی ایفای نقش می‌کنند. همگام با این الگو، گذار از انرژی‌های آلاینده به سمت مهار پاک‌ترین منبع در دسترس یعنی نور خورشید مطرح است. رویکردی که در قامت تحولاتی اساسی همچون تولید آسفالت‌های خورشیدی در داخل کشور تجلی یافته‌است.

دکتر امین عسگریان، کارشناس حوزه شهری، در این خصوص می‌گوید: «تولید آسفالت‌های خورشیدی در داخل کشور نمونه‌ای از دستاوردهای راهگشاست که جاده‌ها و معابر را بدون اشغال فضای اضافی، به مولدهای کارآمد برق بدل می‌سازد و ضمن تأمین روشنایی، بار سنگین ناترازی برق ادارات و صنایع را کاهش می‌دهد.»

■ فناوری‌های نوین زیرزمینی و مدیریت آب

دگرگونی در زیر پوست شهر نیز به همان اندازه نیازمند فناوری است. شبکه‌های سنتی دفع آب‌های سطحی و کانال‌های فرسوده فاضلاب دیگر با نیروی انسانی قابل هدایت نیستند. امروز سامانه‌های رباتیک بومی با ورود به عمق سازه‌های تاریک و سمی زیرزمینی، بدون به خطر انداختن جان کارگران، جداره‌ها را پایش کرده و انسدادها را عارضه‌یابی می‌کنند. هم‌راستا با این اقدامات، مدیریت بهینه قطره‌قطره منابع آبی از طریق حسگرهای هوشمند پایش خاک و تحلیل‌های ماهواره‌ای پیاده‌سازی شده‌است تا از اتلاف آب در این اقلیم خشک جلوگیری گردد.

عسگریان در رابطه با ارتقای این زیرساخت‌ها معتقد است که استفاده از سامانه‌های رباتیک و حسگرهای هوشمند پایش خاک نه‌تنها از خطرات جانی برای کارگران جلوگیری می‌کند، بلکه ضریب بهره‌وری منابع حیاتی آب را در کلانشهرها به شکل چشمگیری ارتقا می‌دهد.

■ هوشمندسازی بحران و مدیریت روزمره

تجلی حیاتی و عیار واقعی حضور سیستم‌های دانش‌بنیان، در دقایق طلایی حوادث و بحران‌های شهری نمایان می‌شود. پایتخت یک کشور حادثه‌خیز نمی‌تواند هنگام وقوع آتش‌سوزی‌های مهیب و زلزله تنها به تجهیزات سنتی متکی باشد. ورود سامانه‌های پرنده و پهپادهای امداد و نجات مجهز به دوربین‌های حرارتی، و همچنین سگ‌های رباتیک هوشمند مجهز به اسکنرهای زیرسطحی، انقلابی در امدادرسانی ایجاد کرده‌اند. این مجموعه با استقرار مخازن هوشمند زباله و ردیاب‌های ماهواره‌ای ناوگان شهری تکمیل می‌شود.

عسگریان، در همین راستا تأکید می‌کند: «ورود پهپادهای امدادی و سگ‌های رباتیک به صحنه‌های حادثه، خط بطلانی بر ناکارآمدی‌های گذشته کشیده و امنیت جانی امدادگران و شهروندان را در بحران‌های پیچیده تضمین می‌کند.»

این کارشناس حوزه شهری ادامه می‌دهد: «فراتر از تجهیزات فیزیکی، شریان‌های متحرک کلانشهرها نیز نیازمند جراحی با تیغ الگوریتم‌های هوشمند هستند. ترافیک سنگین، احتراق ناقص خودروها و اتلاف میلیون‌ها ساعت وقت شهروندان در پشت چراغ‌های قرمز سنتی، از معضلات فلج‌کننده‌ای است که تنها با سامانه‌های هوش مصنوعی و شبکه‌های عصبی عمیق قابل حل است. پایش لحظه‌ای حجم ترددها توسط دوربین‌های پلاک‌خوان پیشرفته و تنظیم پویای زمان‌بندی تقاطع‌ها بر اساس بار واقعی ترافیک، می‌تواند سرعت جابه‌جایی را تا حد زیادی بهبود بخشد.»

او در تحلیل این حوزه خاطرنشان می‌کند: «پیاده‌سازی سامانه‌های هوشمند کنترل ترافیک مبتنی بر یادگیری ماشین نه‌تنها اتلاف سوخت و انتشار گازهای گلخانه‌ای را به شدت کاهش می‌دهد، بلکه ریتم تنفس اقتصادی شهر را منظم‌تر ساخته و آرامش روانی را به خیابان‌ها بازمی‌گرداند.»

■ دوقلوهای دیجیتال و حکمرانی داده‌ها

نهایت تکامل یک شهر هوشمند در گروی استقرار مفهومی به نام «دوقلوی دیجیتال» است. جایی که تمامی لایه‌های کالبدی، زیرساختی، جمعیتی و تأسیساتی شهر در بستر فضای ابری و مدل‌سازی سه‌بعدی شبیه‌سازی می‌شوند. مدیران شهری پیش از اجرای هر پروژه‌ای می‌توانند اثرات زیست‌محیطی، ترافیکی و اقتصادی آن را در این آزمایشگاه مجازی بسنجند. این رویکرد داده‌محور، خطاها را به صفر رسانده و از هدررفت منابع کلان ملی جلوگیری می‌کند.

در همین راستا، عسگریان تصریح می‌کند: «حرکت به سوی دوقلوهای دیجیتال به مدیریت شهری اجازه می‌دهد تا پیش از وقوع هر بحران کالبدی یا جمعیتی، سناریوهای مختلف واکنش سریع را تمرین کرده و تصمیم‌گیری‌ها را از دایره حدس و گمان خارج سازد.»

واقعیت این است که ابزارها، سامانه‌ها و خلاقیت‌های فناورانه به دست نخبگان همین سرزمین خلق شده و آماده به کار هستند. تهران و سایر کلانشهرهای ایران چاره‌ای جز پیوند با این شبکه منسجم دانش و صنعت بومی ندارند و شایستگی هر مدیر شهری از این پس با میزان بهره‌گیری او از این ابزارهای پیشرفته سنجیده خواهد شد.

■ افق نوین مدیریت شهری

به عقیده اکثر کارشناسان حوزه شهری، عبور از بحران‌های انباشته‌شده در کلانشهرهای ایران به یک ضرورت حیاتی و تاریخی تبدیل شده‌است. سال‌ها تجربه تلخ مواجهه با مدیریت‌های سلیقه‌ای و ابزارهای فرسوده ثابت کرده‌است که شهرها با بخشنامه‌های کاغذی و روش‌های سنت‌گرایانه اداره نمی‌شوند. امروز مدل‌های حکمرانی شهری تغییر کرده و پایداری، هوش مصنوعی، فناوری‌های دانش‌بنیان و اقتصاد سبز به ارکان اصلی اداره شهرها تبدیل شده‌اند.

خوشبختانه، سرمایه انسانی و شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی توانسته‌اند با طراحی تجهیزات پیشرفته، از آسفالت‌های خورشیدی و ربات‌های لایروب گرفته تا پهپادهای امدادی و دوقلوهای دیجیتال، تمامی ابزارهای لازم برای این جراحی بزرگ را فراهم کنند. آنچه اکنون مفقود حلقه اتصال این زنجیره ارزش است، اراده و شجاعت مدیران اجرایی برای رها کردن روش‌های کهنه و در آغوش کشیدن این نوآوری‌هاست. از این پس، عیار کارآمدی، مشروعیت و شایستگی هیچ مدیر و تصدی‌گری با افتتاح پروژه‌های زودگذر و کلنگ‌زنی‌های سنتی سنجیده نخواهد شد، بلکه محک اصلی، میزان بهره‌گیری از فناوری‌های بومی برای ارتقای تاب‌آوری شهر، صیانت از جان شهروندان و ساخت آینده‌ای زیست‌پذیر، ایمن و انسان‌محور در کلانشهرهای کشور خواهد بود.

یادداشت

دکتر خلیل علی‌محمدزاده*

امتداد نسل
از فرصت‌های رشد تا شکوه تمدن!

در جریان تاریخ، ملت‌ها با تغییرات محیطی و تحولات سیاسی سازگار می‌شوند، اما تنها زمانی با چالشی بنیادین روبه‌رو می‌گردند که در میانه مسیر، توان تداوم جریان زندگی خود را از دست بدهند. امروز وقتی از مسئله جمعیت سخن می‌گوییم، هدف ما فراتر از مدیریتِ آمارهاست؛ ما در پی ایجادِ بستری هستیم که در آن، آرزوی هر ایرانی برای تشکیلِ خانواده و فرزندآوری، نه یک چالشِ دشوار، بلکه یک تجربه شیرین و امن باشد. این مسئله، در واقع پیوندِ میانِ امیدِ فردی و اقتدارِ جمعی است. در این باره چند نکته را یادآور می‌گردم.

۱) جمعیت؛ پویایی ملت و میراث رهبری

قدرت یک ملت در پویایی و شکوفایی نسل‌های آن نهفته است. امروز بر اساس نگاه راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، افزایش جمعیت با حفظ کیفیت، یکی از ستون‌های اصلی پیشرفت و اقتدار ایران است. این مسیر، در واقع تداوم همان نگاه عمیق و آینده‌پژوهانه امام مجاهد شهید است که همواره بر اهمیت تقویت ظرفیت‌های انسانی برای خلق فرصت‌های علمی و اقتصادی تأکید داشتند. ما به دنبال جمعیتی هستیم که بتواند با توانمندی خود، از فرصت‌ها بهره بگیرد و در برابرِ چالش‌های جهانی، ایستادگی کند.

۲) حمایت از انتخاب؛ از فرد به سوی خانواده

باید درک کنیم که تصمیم برای تشکیل خانواده و فرزندآوری، یک تصمیم شخصی، عمیق و بسیار ارزشمند است. نقش ما و دولت، نه تحکم بر انتخاب مردم، بلکه فراهم کردن زیرساخت‌هایی است که این انتخاب را برای جوانان تسهیل کند. وقتی از محوریت خانواده سخن می‌گوییم، یعنی می‌خواهیم از خانواده به عنوان واحد اصلی حیات اجتماعی حمایت کنیم. از تأمین مسکن و خدمات سلامت گرفته تا ایجاد امنیت اقتصادی، تمام این‌ها باید در خدمت توانمندسازی خانواده‌ها باشد تا خانواده بتواند با آرامش خاطر، نقش خود را در جامعه ایفا کند.

۳) ایجاد انگیزه؛ از مسئولیت‌پذیری تا عزت ملی

بسیاری از جوانان، با وجود میل به تشکیل زندگی، در برابر دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی امروز، دچارِ تردید می‌شوند. رسالت ما این است که با تبیین صحیح جایگاه خانواده و معرفی نمونه‌های موفق، این تردید را به انگیزه تبدیل کنیم. ما باید فضایی را بسازیم که در آن، فرزندآوری نه یک بار سنگین، بلکه سرمایه‌گذاری بر آینده و مایه افتخار فرد و ملت تلقی شود. اینجاست که پیوند میان امیدهای شخصی جوانان و آرمان‌های ملی، معنا پیدا می‌کند.

۴) راهکارهای اجرایی برای تسهیلِ زندگی

برای اینکه بتوانیم این مسیر را هموار سازیم، باید بر چهار محور عملیاتی تمرکز کنیم:

- فراهم کردن امکان‌های تسهیل ازدواج در سنین جوانی از طریق حمایت‌های واقعی و ملموس
- تقویت نظام‌های سلامت خانواده برای کاهش فشارهای اقتصادی و زیستی در دوران فرزندآوری
- ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی که به جای فشار، به دنبال ترویج ارزش‌های خانواده‌محور و حمایت از حق انتخاب مردم باشد.
- تدوین سیاست‌هایی که در آن‌ها، خانواده به عنوان مرکز اصلی برنامه‌ریزی‌های دولتی و اجتماعی دیده شود.

سخن آخر این که؛ هدف ایجاد بستری است که در آن، هر ایرانی بتواند با اعتمادبه‌نفس و در محیطی حمایت‌گر، تصمیمات مربوط به زندگی خود را اتخاذ کند. اگر بتوانیم میانِ نیازهای طبیعی انسان و حمایت‌های ساختاری دولت پیوند برقرار کنیم، نه‌تنها از گردنه خطیر جمعیتی عبور خواهیم کرد، بلکه با امتداد نسلی قدرتمند، راه را برای رسیدن به شکوه تمدن نوین اسلامی هموار خواهیم ساخت.

* پزشک و رئیس اندیشکده سلامت جمعیت و خانواده

خبر

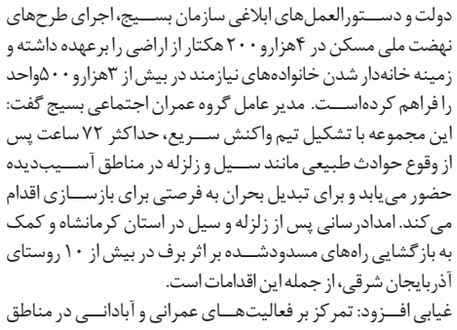

بسیج در مرزها
از مدیریت بحران تا امنیت غذایی

مدیر عامل گروه عمران اجتماعی بسیج، در گزارشی از اقدامات این مجموعه، بر تعهد آن به اجرای فرمان امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب (ره) در دو محور «صلابت در اجرا» و «خدمت‌گزاری به مردم» تأکید کرد.

به گزارش «جوان»، علیرضا غیابی، مدیرعامل گروه عمران اجتماعی بسیج با اشاره به اینکه فعالیت‌های این مجموعه فراتر از پروژه‌های عمرانی متعارف است، از دستاوردهای آن در حوزه‌های نهضت ملی مسکن، مدیریت بحران، توسعه پایدار، اشتغال‌زایی و خدمت‌رسانی به مردم خبر داد. وی افزود: این گروه در راستای سیاست‌های حمایتی دولت و دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان بسیج، اجرای طرح‌های نهضت ملی مسکن در ۴هزارو ۲۰۰ هکتار از اراضی را برعهده داشته و زمینه خانه‌دار شدن خانواده‌های نیازمند در بیش از ۳هزارو ۵۰۰واحد را فراهم کرده‌است. مدیر عامل گروه عمران اجتماعی بسیج گفت: این مجموعه با تشکیل تیم واکنش سریع، حداکثر ۷۲ ساعت پس از وقوع حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله در مناطق آسیب‌دیده حضور می‌یابد و برای تبدیل بحران به فرصتی برای بازسازی اقدام می‌کند. امدادرسانی پس از زلزله و سیل در استان کرمانشاه و کمک به بازگشایی راه‌های مسدودشده بر اثر برف در بیش از ۱۰ روستای آذربایجان شرقی، از جمله این اقدامات است.

غیابی افزود: تمرکز بر فعالیت‌های عمرانی و آبادانی در مناطق صفرمرزی ایران و پاکستان، به ویژه شهرستان دشتیاری، از دیگر محورهای فعالیت این گروه است.

وی گفت: اجرای پروژه‌های «یک‌به‌یک» با مشارکت خیرین و مردم، از جمله آبرسانی به بیش از ۲۰ روستا و احداث سیل‌بندهای راهبردی، گامی مهم برای مهار منابع آبی بوده‌است.

مدیر عامل گروه عمران اجتماعی بسیج افزود: در مرحله نخست، با احداث این سیل‌بند یک میلیون مترمکعب آب مهار شد و در مرحله دوم، ظرفیت مهار آب به ۵ میلیون مترمکعب رسید. هدایت این آب‌ها برای کشت محصولاتی راهبردی مانند موز و هندوانه، افزون بر تقویت امنیت غذایی، از کوچ اجباری روستاییان جلوگیری کرده و برای ۵۵۰خانواده در شهرستان، اشتغال پایدار ایجاد کرده‌است.

غیابی با اشاره به آغاز عملیات آبخیزداری بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان بسیج، از به‌کارگیری ظرفیت‌های فنی، ماشین‌آلات مدرن و مشارکت خیرین و مردم برای احیای زمین‌های خشک خبر داد. به گفته وی، این اقدامات با هدف حفظ پایداری اکوسیستم انجام می‌شود و نباید هیچ ظرفیتی در کشور بلااستفاده بماند.